

براساس سند برنامه هفتم توسعه حداقل ۴۵ درصد دانشجویان روزانه دانشگاه‌های دولتی از این پس موظف به پرداخت هزینه تحصیل خود می‌شوند

پایان دانشگاه‌های دولتی؟

زهرار مضانی - فاطمه طاری بخش

گروه دانشگاه

متن برنامه هفتم توسعه که آماده‌سازی با یک سال تاخیر صورت گرفت، بالاخره روز گذشته در رسانه‌ها منتشر شد. سندی که اگرچه برخی تحت عنوان پیش‌نویس از آن یاد می‌کنند و ۲۲ فصل و ۷ بخش دارد. برنامه هفتم هم مطابق برنامه‌های پیشین، ریل‌گذاری کشور برای ۵ سال آینده در بخش‌های اقتصادی، زیربنایی، فرهنگی و اجتماعی، علمی و فناوری و آموزشی، سیاست خارجی، دفاعی و امنیتی و اداری، حقوقی و قضایی مشخص کرده است. فصل ۱۷ این سند به حوزه علوم، تحقیقات و آموزش عالی اختصاص دارد که از ماده ۲۲۴ تا ۲۳۳ را در برمی‌گیرد.

موادی که قرار است در صورت اجرایی شدن، تغییرات مهمی را در نظام آموزش عالی ایجاد کند. هرچند نباید این مساله را هم نادیده گرفت که برنامه ششم توسعه در اغلب بندهای مربوط به حوزه آموزش عالی نتوانست به اهداف صددرصدی برسد. در این میان برخی از هدف‌گذاری‌ها مانند سیستم دانشجویان خارجی از کل ظرفیت دانشجویی، جمعیت دانشجویان علوم پایه، نرخ ثبت‌نام جمعیت دانشجویی، اقدامات به‌گونه‌ای پیش‌رفت که نه تنها این هدف محقق شد بلکه درصد تحقق آن از آنچه در سند هم آمده بود، پیشی گرفت. با این حال نظام آموزش عالی نتوانست در حوزه‌هایی مانند فرارگیری ۱۰۰ دانشگاه ایرانی در میان برترین‌ها، افزایش سهم آموزش‌های مهارتی، تحول و ارتقای علوم انسانی، اختصاص یک درصد اعتبارات دستگاه‌ها به پژوهش و... توفیق چندانی را به دست آورد.

آنچه بیش از تحقق یا عدم تحقق اهداف این سند باید مورد توجه قرار بگیرد، این است که توجه به جذب دانشجویان بین‌المللی و در کنار آن بسترسازی برای حضور دانشمندان برتر دنیا در دانشگاه‌ها و موسسات پژوهشی کشور و همچنین حرکت به سمت پایان دادن به تحصیل رایگان از سوی دانشگاه‌های دولتی را باید اصلی‌ترین اهدافی دانست که قرار است کشورمان تا ۵ سال آینده به آن برسد.

با این حال به‌طور کلی برنامه هفتمی که اکنون در رسانه‌ها منتشر شده برخلاف برنامه قبلی میزان شاخص‌های کمی و قابل سنجش کمتری دارد.

۱ پای سازمان اداری و برنامه به آمایش آموزش عالی باز شد

اولین ماده این بخش از سند همان موضوع قدیمی و البته کمتر مورد توجه قرار گرفته در حیطه اجرا را مدنظر قرار داده است. آمایش آموزش عالی و آمایش سرزمینی همان مقوله‌ای است که ماده ۲۲۴ به آن توجه کرده و براساس آن شورای گسترش آموزش عالی مکلف شده تا حداکثر ظرف ۶ ماه آینده، با تدوین برنامه‌ای وضعیت ظرفیت کل و سهم دانشجویان به تفکیک رشته، گرایش و مقطع تحصیلی و زیرنظام‌های آموزش عالی کشور، توزیع دانشجو در رشته، گرایش و مقطع تحصیلی و همچنین ایجاد رشته، گرایش و مقاطع تحصیلی مورد نیاز در گروه‌های آموزش عالی با در نظر گرفتن این دو آمایش مدنظر قرار دهد. اما نکته قابل توجه در این میان آن است که این بار پای دو سازمان برنامه و بودجه کشور و سازمان اداری و استخدامی به میان آمده و آنها باید برنامه تدوین شده را مورد بررسی قرار دهند تا در نهایت شورای عالی انقلاب فرهنگی آن را نهایی و تصویب کند.

۲ تکلیف رشته‌های موازی در ۲ وزارتخانه مشخص می‌شود

وجود رشته‌های تکراری در دانشگاه‌های وزارتخانه‌های علوم و بهداشت که بعضاً باعث همپوشانی و بالطبع هدررفت هزینه‌ها و سرمایه‌های کشور شده یکی از مباحثی است که در این سند مورد توجه قرار گرفته است. بر این اساس این دو وزارتخانه حداکثر ۶ ماه زمان دارند، تا نسبت به رفع همپوشانی رشته‌ها و گرایش‌های فعال اقدام کنند. با این حساب ادغام آموزش پزشکی هم که از سوی وزیر علوم در برهه‌های مختلفی مطرح شده بود لااقل تا پایان برنامه هفتم بعید به نظر می‌رسد.

۳ دانشمندان خارجی عضو هیات علمی دانشگاه‌ها می‌شوند

شاید یکی از مواد مهم فصل ۱۷ سند برنامه هفتم توسعه را باید ماده ۲۲۶ دانست که براساس آن وزارتخانه‌های مختلف علوم، بهداشت، امور خارجه و معاونت علمی و فناوری ریاست‌جمهوری مأمور جذب دانشجویان خارجی شده‌اند. در این ماده که ۶ بند و ۲ تبصره دارد سهم دانشجویان خارجی هم مشخص شده است. به طوری که در بند «الف» این ماده قید کرده که باید حداقل معادل ۱۰ درصد از ظرفیت کل دانشجویان کشور که در دانشگاه‌های دولتی و غیردولتی تحصیل می‌کنند، به پذیرش دانشجوی خارجی اختصاص پیدا کند. حرکت در این مسیر تنها به دانشجوی خارجی محدود نشده و در بند «ب» آمده که باید بستر برای پذیرش و جذب دانشمندان غیرایرانی در حوزه‌های آموزشی، پژوهشی و فناوری در دانشگاه‌ها و موسسات پژوهشی دولتی در قالب عضو هیات علمی با اولویت قرار دادن حوزه علوم و فناوری‌های

قید شده در بند «الف» نقشه جامعه علمی کشور که شامل بخش فناوری اعم از فناوری هوافضا، فناوری اطلاعات و ارتباطات و... علوم پایه و کاربردی، علوم انسانی و معارف اسلامی، سلامت و هنر است، آماده شود. در این میان توسعه همکاری‌های بین‌المللی هم با ایجاد پنجره واحد صیانتی و حمایتی در همکاری‌های بین‌المللی علمی و فناوری کشور با محوریت معاونت علمی ریاست‌جمهوری در راستای تقویت بازگشت و نگهداشت نخبگان اعم از دانشجویان، پژوهشگران و فناوران ایرانی و غیرایرانی از دیگر مباحث مهمی است که در بند «د» آمده است. بسترسازی برای ایجاد اشتغال دانش‌آموختگان بین‌المللی نخبه و همچنین توسعه کمی مراکز رشد و شعب دانشگاه‌ها با همکاری دانشگاه‌های معتبر بین‌المللی هم از دیگر اهداف قید شده در بندهای «و» و «ه» این ماده به شمار می‌رود. براساس تبصره یک بند «و» باید حداقل ۳۰ درصد ظرفیت شعب و پردیس‌های بین‌المللی دانشگاه‌ها به دانشجویان غیرایرانی اختصاص پیدا کند.

۴ سازمان برنامه برای هزینه کرد دانشگاه‌ها شاخص می‌نویسد

یکی از چالش‌هایی که سال‌ها است روسای دانشگاه‌ها از آن گلایه‌مند هستند، عدم کافی بودن بودجه دانشگاه‌ها برای انجام فعالیت‌های پژوهشی و فناوری است. موضوعی که براساس ماده ۲۲۷ قرار است پرداخت اعتبارات از محل منابع عمومی در قالب بودجه‌های سنواتی به دانشگاه‌ها، براساس شاخص‌های مورد توافق در موافقتنامه‌ای که میان سازمان برنامه و بودجه و هر کدام از وزارتین بهداشت و علوم هزینه شود؛ البته تشخیص انطباق هزینه کرد با شاخص‌هایی که در این موافقتنامه لحاظ خواهد شد برعهده رئیس دانشگاه خواهد بود.

۵ تامین هزینه‌های رفاهی از محل وام‌های دانشجویی

بخش دیگر از موضوعات مورد اشاره حوزه آموزش عالی به خدمات رفاهی دانشجویان اختصاص دارد. ماده ۲۲۸ تأکید می‌کند صندوق‌های رفاه هر دو وزارتخانه علوم و بهداشت، می‌توانند به گونه‌ای برنامه‌ریزی کنند که حداکثر ۵۰ درصد از کمک‌هزینه‌تغذیه و خدمات رفاهی دیگر از محل وام دانشجویی تامین شود. برای همین کار از محل اعتبارات عمومی منابعی به این حوزه اختصاص پیدا می‌کند و به صندوق‌های رفاه پرداخت خواهد شد.

۶ تحصیل در دانشگاه دیگر رایگان نخواهد بود

تغییرات مهمی هم در روند هزینه تحصیل دانشجویان دولتی قرار است صورت بگیرد. اتفاقی که ماده ۲۲۹ به آن تأکید

دارد. این ماده که شامل دو بخش «الف» و «ب» می‌شود و بخش اول آن شامل ۴ بخش و یک تبصره است، به پایان هزینه تحصیل دانشجویان روزانه تأکید کرده است. براساس بند سوم بخش «الف» این ماده، پرداخت هزینه تحصیل دانشجویان روزانه در قالب تسهیلات اعطایی به آنها خواهد بود و دانشجویان نیز مکلف به بازپرداخت آن پس از فارغ‌التحصیلی خواهند بود. در این میان پرداخت هزینه تحصیل رایگان و کمک هزینه تحصیلی به دانشجویان نخبه و مستعد در رشته‌های اولویت‌دار کشور تا سقف ۱۵ درصد از ظرفیت رشته محل‌های روزانه در سال اول اجرای این قانون اعمال می‌شود. همچنین پرداخت هزینه تحصیل رایگان برای دانشجویان مستعد در رشته محل‌های روزانه مورد نیاز کشور هم تا سقف ۴۰ درصد ظرفیت سال اول این قانون ادامه خواهد شد. با این حساب حداقل ۴۵ درصد دانشجویان روزانه دانشگاه‌های دولتی از این پس موظف به پرداخت هزینه تحصیل خود هستند و این هزینه در قالب وام اعطا و پس از فراغت از تحصیل فرد از او دریافت خواهد شد. هزینه تمام‌شده خدمات منبای تعیین شهریه دانشجویان دانشگاه پیام نور خواهد بود که بخشی از آن هم در قالب تسهیلات از محل بودجه عمومی به دانشجویان ارائه می‌شود.

۷ ۵۰ درصد بودجه پژوهش براساس «نان» هزینه می‌شود

راه‌اندازی سامانه نان را باید از آن دست اقدامات وزارت علوم دانست که هرچند عمر آن هنوز به دوسال نرسیده، اما قرار است نقش بسزایی را در پیشبرد برنامه‌های پژوهشی داشته باشد. موضوعی که در بند «ب» ماده ۲۲۹ هم به آن توجه ویژه‌ای شده است. براساس این بند قرار است نظام تأمین مالی تحقیقات دولتی صورت‌گرفته از سوی دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها و مراکز آموزشی و پژوهشی وابسته به این وزارتخانه و دیگر دستگاه‌های اجرایی به گونه‌ای مورد اصلاح قرار بگیرد تا پایان برنامه ۵ ساله هفتم توسعه، حداقل ۵۰ درصد منابع بودجه عمومی مرتبط با این تحقیقات براساس پروژه‌های تحقیقاتی هدفمند و اولویت‌داری که در سامانه نان مشخص می‌شود، هزینه شوند. البته آیین‌نامه اجرایی این بند باید حداکثر تا ۶ ماه بعد از ابلاغ این قانون با پیشنهاد مشترک سازمان برنامه و بودجه و وزارتخانه‌های علوم و بهداشت، به تصویب هیات وزیران برسد.

۸ دانش‌آموختگان باید حداقل یک تخصص کاربردی داشته باشند

یکی از بندهای مهم این سند هم بازتعریف دوباره شاخص‌های ارزیابی، برنامه‌های آموزشی و پژوهشی و همچنین آیین‌نامه‌های جذب و ارتقای و ترفیع اعضای هیات علمی است که در بند «الف» ماده ۲۳۰ آمده است؛ آیین‌نامه ارتقا طی سال‌های اخیر بارها مورد واکنش اعضای هیات علمی قرار گرفته، البته در این بند قید نشده که قرار است باز اسانید

همه دانشگاه‌ها فارغ از ماموریت آنها با یک نگاه مورد ارزیابی قرار بگیرند یا خیر. در بند «ب» قانون تأکید کرده که برنامه‌ریزی آموزش‌های مهارتی دانشگاه‌ها باید به گونه‌ای باشد که فارغ‌التحصیلان حداقل در یک حوزه تخصصی دارای مهارت کاربردی مورد نیاز کشور باشند.

بند «ج» این ماده وزارتخانه‌های علوم و بهداشت را مجاز کرده تا سقف ۲۰ درصد از ظرفیت پذیرش دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری تخصصی را به جذب دانشجویانی اختصاص دهند که جزء ۲۰ درصد بالاترین ورودی‌های رشته‌های هر سال هستند. البته این اتفاق در قالب ضوابط دانشجویان ممتاز و جذب استادمحور صورت می‌گیرد.

۹ فعالیت صندوق شورای عتف در قالب موسسه عمومی غیردولتی

ماده‌های ۲۳۱ و ۲۳۲ این سند هم به مسائل مالی دانشگاه‌ها اختصاص دارد. ماده ۲۳۱ بر تشکیل سازمان توسعه و سرمایه‌گذاری دانشگاه‌ها در قابل شرکت براساس قانون تجارت و زیرنظر هیات امناتصریح کرده که براساس قانون جهش تولید دانش‌بنیان اکنون در بسیاری از دانشگاه‌ها تشکیل شده است. بسترسازی برای خلق ثروت، حل مشکلات و زمینه‌سازی برای پیشرفت در عرصه‌های مربوط به حوزه کلان آموزش عالی و تأمین منابع مالی فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی اشاره کرده؛ اتفاقی که قرار است در قالب تسهیلات و کمک فنی و اعتباری از محل منابع مقرر که در قوانین بودجه سنواتی و هدایای اشخاص حقیقی و حقوقی و همچنین منابع بازگشتی تسهیلات اعطایی از سوی صندوق شورای عالی عتف آمده، پرداخت شود. البته آیین‌نامه اجرایی این بند باید تا ۶ ماه بعد از ابلاغ این قانون با پیشنهاد سازمان برنامه و بودجه و وزارت علوم به تصویب هیات وزیران برسد.

۱۰ بخش خصوصی به کمک چالش کمبود پزشک می‌آید

کمبود پزشک در کشور موضوعی است که طی سال‌های اخیر رنگ هشدار آن به صدا در آمده و بسیاری از فعالان معتقدند تداوم وضعیت فعلی باعث می‌شود کشور در برخی رشته‌ها مانند جراحی قلب مجبور باشد از پزشکان خارجی بهره بگیرد، چالشی که به نظر می‌رسد با مشارکت بخش خصوصی قرار است در آینده رفع شود. آخرین ماده بخش آموزش عالی هم به وزارت علوم و بهداشت اجازه داده تا با رعایت مصوبات و سیاست‌های عالی انقلاب فرهنگی نسبت به پذیرش و تربیت دانشجویان در رشته‌های مختلف علوم و علوم پزشکی با مشارکت بخش غیردولتی و خصوصی اقدام کند؛ ماده‌ای که هدف از آن مردمی‌سازی نظام آموزش عالی به‌ویژه در حوزه پزشکی عنوان شده است.

کارشناس سیاستگذاری حوزه علم و فناوری:

صرف محدود کردن ظرفیت پذیرش مساله اصلی را حل نمی‌کند

۱ باید برای دانشگاه‌ها افق مشخصی داشت

قاضی نوری در ادامه به نکته‌ای که در تمامی اسناد و سند هفتم توسعه مغفول مانده است، اشاره کرد و توضیح داد: «افق دانشگاه‌ها باید مشخص باشد. مثلاً دانشگاه تهران، قریب به ۱۰۰ سال است که تشکیل شده و در این سال‌ها زیربنای آن ۱۰۰ برابر شده است و بقیه دانشگاه‌ها نیز همین‌طور است. زمانی که به طرح‌های جامع دانشگاه‌ها نگاهی می‌اندازیم، می‌بینیم که تمام آنها زمین‌های دورو بر خود را خریداری می‌کنند، ته این ماجرا کجاست؟ دانشگاه تهران بالاخره چه زمانی متوقف می‌شود؟ شهر تهران در افقی تنها دانشگاه خواهد شد. دانشگاه‌های ما باید سقفی داشته باشد. ما در تهران به چه تعداد دانشجویان هیات‌علمی نیاز داریم؟ تا کجا قرار است توسعه داشته باشیم؟»

او در ادامه ایرادات این مدل را برشمرد و گفت: «اول اینکه پول دولت را خرج می‌کنیم. به جای اینکه هزینه را صرف کیفیت کنیم تنها صرف کمیت می‌کنیم. بودجه کل دانشگاه‌های تهران، بخش کوچکی از بودجه یکی از دانشگاه‌های عربستان نیست. به جای اینکه به کیفیت اهمیت دهیم بزرگ می‌کنیم و زمین می‌گیریم. زمانی باید به این صورت باشد که برای مثال دانشگاه تهران بعد از این اگر قرار است رشته جدیدی بگیرد؛ یک رشته را تعطیل کند یا اگر می‌خواهد عضو هیات علمی جدید داشته باشد باید یک نفر را بازنشسته کند. آیا دانشگاه‌های قدیمی مانند هاروارد و کمبریج چندسال است که رشد می‌کنند؟ پول‌های خود را صرف کیفیت می‌کنند و نه صرف ساختمان‌سازی شده است. نتیجه سوهدیگر آن این است که رشد دانشگاه‌های شهرستانی را متوقف می‌کند و تمام منابع مالی صرف ۱۰ تا ۱۰ دانشگاه‌وزارت علوم در تهران می‌شود. باید به توازن منطقه‌ای در دانشگاه‌های خودمان برسیم.»

۲ لزوم تکمیل حلقه‌های دیگر زنجیره جذب دانشجویان بین‌الملل

عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس درباره ماده ۲۲۶ سند هفتم و جذب پذیرش بین‌الملل و سهم ۱۰ درصدی آنها از آموزش عالی عنوان کرد: «پذیرش دانشجوی بین‌الملل خوب است اما اولاً اینکه ما با زبان

داشته باشد و ۲۵۰۰ دانشگاه بسیار زیاد است. باید تکلیف این موضوع مشخص شود. اما به این دلیل که زور کسی به این موضوع نمی‌رسد، به‌صورت متفاوتی نمایندگان و مقامات استانی در حال حاضر به‌صورت دیگری موضوع را دور زده‌اند و قرار است ظرفیت‌های کل مشخص شود تا ببینیم که به چه دانشگاه‌هایی ظرفیت نمی‌رسد.»

او در ادامه درباره اهمیت بازگشت اقتدار به قوه مجریه و عدم دخالت شورای عالی انقلاب فرهنگی که در ماده ۲۲۵ به‌صراحت به آن اشاره شده است، عنوان کرد: «اگر زور وزارت علوم نرسد که این دانشگاه‌ها را تعطیل کند، باز هم ما به نقطه‌ای نخواهیم رسید. این موضوع را باید بپذیریم و بالاخره باید بدانیم که در حوزه آموزش عالی اختیار دست چه کسی است. این موضوع را به شورای عالی انقلاب فرهنگی محول کرده‌اند، چرا؟ چون فرض بر این است که مقامات و نمایندگان محلی در برابر تصمیمات شورای عالی انقلاب فرهنگی، تسلیم هستند و نمی‌توانند کار انجام دهند. این موضوع یعنی اینکه ما با دست خودمان نتیجه به ریشه خودمان بزیم و اقتدار قوه مجریه را بسوزانیم. شورای گسترش نهاد قانونی است که از پیش از انقلاب اختیارات داشته است و اگر قرار بر این است که تا تعداد ظرفیت دانشجویان را به شورای انقلاب فرهنگی ببریم که نهادی غیرپاسخگو است، در نتیجه ما اقتدار قوه مجریه را کاملاً با این کار از بین برده‌ایم. باید این موضوعات را به قوه مجریه برگردانیم و به آن قدرت بدهیم تا مشکلات را حل کند.»

کارشناس سیاستگذاری حوزه علم و فناوری درباره آمایش دانشگاه‌ها توضیح داد: «اینکه پاسکاری بین نهادها اتفاق بیفتد درست نیست. کشور نیاز به این میزان دانشگاه ندارد و ما نیاز به یک دانشگاه غیرحضوری داریم. دانشگاه آزاد اسلامی نیز در تعدادی از شعب اقتصادی است و دانشگاه‌های غیرانتفاعی نیز جز تعدادی با این روند دیگر جایی در آموزش عالی ندارند. از همه مهم‌تر تعداد بی‌شمار دانشگاه‌های دولتی با ردیف بودجه در شهرستان‌ها هستند که تنها هزار دانشجو دارند و باید تعطیل شوند. معنا ندارد که در شهر ۵۰ هزار نفری دانشگاه داشته باشیم. با هیچ منطقی درست در نمی‌آید و زمین و ملک نیز باید خرج توسعه دانشگاه‌های مادر شود. این ماده تنها می‌خواهد ظرفیت دانشگاه‌ها را محدود کند اما نمی‌تواند موضوع اصلی آن را حل کند.»

سید سپهر قاضی نوری، استاد تمام سیاستگذاری علم و فناوری دانشگاه تربیت مدرس در گفت‌وگو با «فرهیختگان» به بررسی ابعاد مختلف بندهای مربوط به حوزه آموزش عالی در سند برنامه هفتم توسعه پرداخته است. او در خصوص ماده ۲۲۴ سند که به موضوع تعیین ظرفیت کل و سهم دانشجویان هر دانشگاه اشاره می‌کند، بیان کرد: «درباره شورای گسترش، تکلیفی که شده، تکلیف ما لا یتقایی است. هیچ کس در هیچ جای دنیا نمی‌تواند تعیین کند که کشوری تا سطح گرایش، به چند نیروی انسانی نیاز دارد. من به‌جای این مورد ترجیح می‌دهم که بسیار کلی‌تر با موضوع برخورد شود. مساله کشور در حال حاضر این نیست که ما به چه تعداد نیروی انسانی نیاز داریم؛ اصولاً نیز ما نیروی انسانی را برحسب شغل تربیت نمی‌کنیم و بخش زیادی از آن به دره سواد عمومی کشور می‌خورد. بخش زیادی از نیروی انسانی نیز در کشور نمی‌ماند و باید این واقعیت را بپذیریم با این روالی که آغاز شده، نیروهای انسانی زبده در دانشگاه‌ها، دیگر در کشور نمی‌مانند. به این زودی نیز این روند متوقف نمی‌شود. مساله اصلی آموزش عالی ما این است که کشور ما نمی‌تواند بین ۲۵۰۰ تا ۳۰۰۰ دانشگاه داشته باشد که شاید در دنیا رتبه تک‌رقمی داشته باشیم. دانشگاه‌ها به‌ر حال واحد اقتصادی هستند و باید با اقتصاد مقیاس خود همخوانی داشته باشد.»

قاضی نوری با اشاره به اینکه دانشگاه زیر هزار نفر اصولاً اقتصادی نیست، گفت: «یعنی اینکه حق‌التدریس‌های بالایی در کشورهای دیگر به استایید پرداخت می‌شود؛ چرا که بعضاً کلاس‌ها ۱۰ تا ۱۱۰ نفر دانشجوی دارد و حل تمرین و دستیار دارند. کلاس‌هایی که ما برگزار می‌کنیم و دانشجویان را تقسیم‌بندی می‌کنیم و... واقعا به صلاح نیست. این‌طور نیست که در یک کلاس ۱۰ نفره لزوماً دانشجویان یادگیری بهتری داشته باشند تا کلاسی که تعداد بالاتری دانشجوی دارد. اصولاً فرض در دانشگاه‌های ما است که کمیت و کیفیت رابطه معکوسی دارند، در حالی که به این صورت نیست و کلاس یک‌نفره اصلاً کیفیتی ندارد. مساله اصلی این است که کشور ما نهایتاً به ۵۰ یا ۱۰۰ دانشگاه نیاز



سید سپهر قاضی نوری، استاد تمام

فارسی به جایی نمی‌رسیم. زبان فارسی یعنی اینکه ما از افغانستان تنها دانشجوی بگیریم. تجربه نشان می‌دهد حتی دانشجویانی که از عراق می‌آیند، فارسی بلد نیستند و در دانشگاه‌های مختلف دیده‌ام که نه تنها باعث رشد و رقابت نمی‌شود، بلکه حتی سطح عمومی کلاس را پایین می‌آورند. اینکه ما دانشجویان بین‌المللی را تنها به زبان فارسی بخواهیم، لقمه را دور سر چرخاندن است و شما اگر دانشجویان بین‌المللی می‌خواهی باید به زبان انگلیسی باشد. اینکه ما واحد بین‌المللی می‌زنیم و بعد از آن شورای عالی انقلاب مصوبه‌ای در خصوص ممنوعیت تدریس به زبان انگلیسی می‌زند، نشان می‌دهد خودمان هم نمی‌دانیم چه می‌خواهیم.»

او در ادامه با تأکید بر اینکه باید برنامه‌ای برای این دانشجویان داشته باشیم، افزود: «دانشجویان مستعد را در کشور نگه داریم و جذب کنیم. زمانی که بقیه حلقه‌های این زنجیره مانند تابعیت و اجازه کار را حل نمی‌کنیم تنها در دسر می‌سازیم. باید دانشجویان بین‌المللی که به کشور ما می‌آیند؛ بعد از بازگشت دوستان و سفیران کشور ما باشند و نه دشمنان ما. در صورتی این موضوع حل می‌شود که مابقی حلقه‌های این زنجیره را نیز دیده باشیم. همچنین جذب دانشمندان غیر ایرانی نیز مضحک است. من ترجیح می‌دهم ابتدا سرمایه‌گذاری ما روی نگهداشت نخبگان ایرانی باشد. حقوقی که به دانشمندان ایرانی داده می‌شود حداقل ۱۰ درصد حقوق دانشمندان کشورهای همسایه است. ما در شرایطی هستیم که در حال حاضر اکثر دانشجویان دکتری من در فکر رفتن هستند. یعنی حس می‌کنم تلاش‌های من عبث است و نیروهایی را تربیت می‌کنیم که یکی از آنها در اینجا نمی‌ماند. در این شرایط چنین افکاری آدم را به گریه می‌اندازد. ایجاد پنجره واحد صیانتی و حمایتی نیز قابلیت اجرایی ندارد.»

او در پایان در خصوص پرداخت هزینه تحصیل دانشجویان روزانه عنوان کرد: «دانشگاه‌ها حقوق می‌دهند اما نمی‌توانند به این صورت ادامه دهند و باید درآمدی از پژوهش داشته باشند. دانشگاه‌ها باید به‌صورت اقتصادی اداره شوند و نمی‌توان همه چیز را با پول دولت جلوبرد. هر چیزی که اقتصادی نباشد زمین می‌خورد. دولت می‌تواند به عنوان کمک در برخی از موضوعات کمک کند.»